

توسعه پایدار

(مقدمه‌ای بر الگوهای نوظهور برای سنجش پایداری توسعه در کشورها)

سیدکیانوش کلانتر

پژوهشگر در حوزه‌ی توسعه‌ی پایدار

skkalantar@yahoo.com

کوروش برارپور

پژوهشگر و صاحب‌نظر در حوزه‌ی توسعه‌ی پایدار و مدیریت بومی ایران

bararpoor@yahoo.com

این مقاله در مجله تدبیر - شماره ۱۷۸، چاپ شده است.

چکیده

در دنیای امروز هیچ چیز به اندازه خوشبختی نسل بشر اهمیت ندارد. در چند دهه گذشته و قبل از آن، تنها، سرانه‌ی تولید ناخالص ملی بالا، شاخص کامیابی ملت‌ها به حساب می‌آمد اما دغدغه توسعه در پارادایم جدید، خوشبختی چندجانبه نسل بشر است. مقاله‌ی پیش‌رو، ضمن معرفی الگوهای نوظهور در مفاهیم توسعه و مرور مبانی علمی آنها، به لزوم توجه برنامه‌ریزی شده‌ی دولت و ملت‌ها به مقوله‌ی پایداری توسعه، تاکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌های اجتماعی، سرمایه‌های طبیعی

1. دیباچه

مفهوم توسعه پایدار¹ تاکنون به روش‌های گوناگون در قالب مفاهیم متنوعی استفاده شده، اما محوری‌ترین ایده، مربوط به کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست بوده که در 1987 تبیین گردیده است. بر اساس این تعریف، توسعه‌ای پایدار است که بتواند "احتیاجات نسل حاضر را بدون فدا کردن توانایی نسل‌های آتی برای برآورده‌سازی نیازمندی‌هایشان تأمین کند." (World Commission on Environment and Development, 1987). از آن هنگام این بیان موجز و پرمحتوا به طور گسترده از سوی دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌ها و شرکت‌های تجاری، مؤسسات علمی و دانشگاهی و گروه‌های غیردولتی پذیرفته و به کار گرفته شده است (Gladwin, 1997). بدین ترتیب به موازات آن که ارتباط میان رشد اقتصادی و ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه بهتر درک می‌شود، متخصصان و اقتصاددانان بر این مهم هم‌نوا می‌شوند که توجه یک‌جانبه به رشد اقتصادی، به نحو اجتناب‌ناپذیری توسعه را ناپایدار می‌سازد _ یعنی نمی‌تواند برای مدت طولانی به همین سیاق ادامه یابد (Soubbotina, 2004).

پیامد دغدغه توسعه در پارادایم جدید، خوشبختی چندجانبه نسل بشر است. بر این مبنا سرانه‌ی تولید ناخالص ملی بالا لزوماً نشانه خوشبختی مردم یک جامعه نیست؛ چرا که معیارهای دیگری نیز در این بین تأثیرگذارند که تولید ناخالص ملی با رویکرد اقتصادی محض، آن‌ها را پوشش نمی‌دهد. امروزه ادبیات توسعه با گذر از توجه صرف به سرمایه‌های فیزیکی، دیگر انواع سرمایه‌های تأثیرگذار در فرایند توسعه همانند سرمایه‌های طبیعی² (شامل مواردی همچون: خدمات، کارکردها، فرایندها، منابع زایش‌پذیر بیولوژیکی در کنار منابع زمینی زایش‌ناپذیر نظیر مواد معدنی، سوخت‌های فسیلی، آب‌های زیرزمینی و ...)، سرمایه‌های انسانی³ (شامل مواردی همچون: دانش، مهارت، سلامتی، تغذیه، ایمنی، امنیت و انگیزه انسان‌ها)، و سرمایه‌های اجتماعی⁴ (شامل مواردی همچون: انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل، تشخیص فرهنگی، مشارکت‌پذیری و تشریک مساعی در امور، برابری فرصت‌ها، آزادی تشکلهای صنفی، نظم و ...) را نیز مورد توجه قرار داده است (Gladwin et al., 1995, White, 2004).

این نوشتار در ادامه، الگوهای نوظهور در مفاهیم توسعه را معرفی، و سپس مبانی علمی الگوی راهبردی ارزیابی پایداری توسعه را تبیین می‌کند.

2. الگوهای نوظهور در مفاهیم توسعه

پارادایم‌های جدید توسعه، معیارهای اقتصادی را تنها، نماینده بخشی از نیازهای نسل بشر می‌داند. برای مثال سازمان ملل متحد برای سنجش میزان توسعه‌یافتگی کشورها، از الگویی با شاخص ترکیبی به نام "شاخص توسعه انسانی"⁵ استفاده می‌کند. این الگو شامل یک میانگین ساده از سه شاخص بیان‌کننده موفقیت‌های یک کشور در بهداشت و سلامتی، آموزش و استانداردهای زندگی است. که بهداشت و سلامتی - با امید به زندگی در هنگام تولد سنجیده می‌شود، آموزش - دربرگیرنده‌ی سواد خواندن و نوشتن بزرگسالان جامعه و میزان ثبت‌نام در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی است، و استانداردهای زندگی - نیز در قالب درآمد سرانه بر حسب قدرت خرید تعادلی⁶ بیان می‌شود (UNDP, 2005).

اهمیت شاخص توسعه انسانی در آن است که رتبه توسعه‌یافتگی کشورها در آن نتیجه متفاوتی را نسبت به شاخص‌های صرفاً اقتصادی (نظیر تولید ناخالص ملی) به بار می‌دهد. برای مثال مطابق آن چه در شکل 1 آمده، کشورهای عربستان سعودی، تایلند، ویتنام، و گواتمالا با درآمد ملی سرانه متفاوت، دارای شاخص توسعه انسانی تقریباً یکسانی هستند. اما ویتنام بسیار بهتر از عربستان سعودی توانسته است منافع حاصل از درآمد اقتصادی خود را در قالب افزایش "کیفیت زندگی"⁷ مردم به کار بندد.

¹ Sustainable Development(SD)

² Natural Capitals

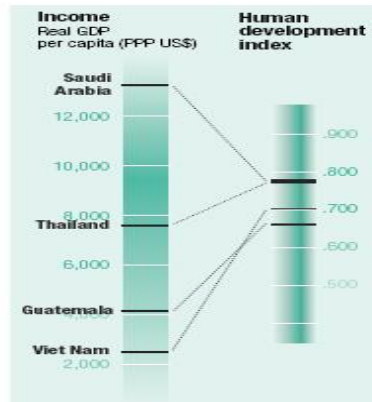
³ Human Capitals

⁴ Social Capitals

⁵ Human Development Index

⁶ Purchasing Power Parity (PPP)

⁷ Quality of Life

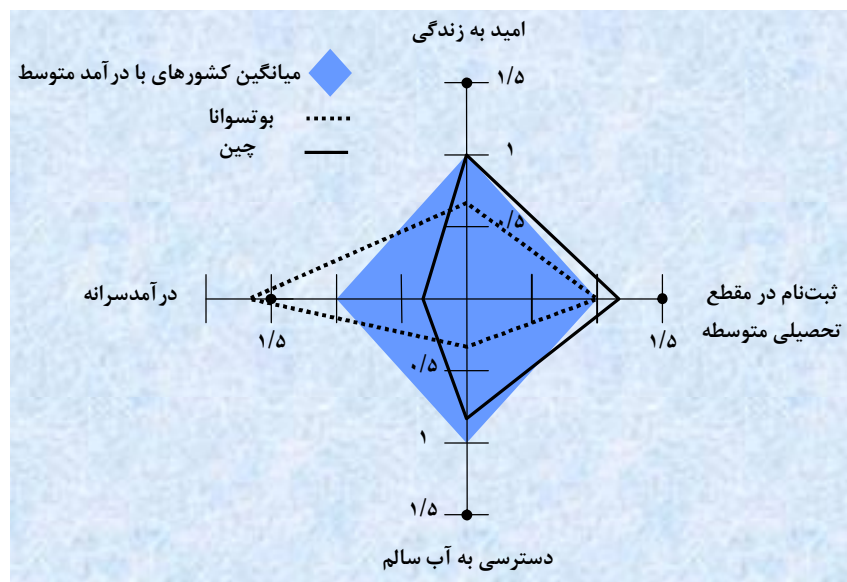


شکل 1. جوامعی با درآمد اقتصادی متفاوت اما شاخص توسعه انسانی تقریباً یکسان (UNDP, 2005)

یکی دیگر از الگوهای ترکیبی برای سنجش توسعه در پارادایم جدید "الماس توسعه"⁸ است که توسط بانک جهانی⁹ استفاده می‌شود. این الماس چهار شاخص اجتماعی و اقتصادی را در مورد هر کشور به تصویر می‌کشد و ترکیب این چهار شاخص را با مقدار متوسط آن‌ها در کشورهای همگروه درآمدی (کشورهای کم‌درآمد، درآمد متوسط، و درآمد بالا) مقایسه می‌کند.

امید به زندگی در هنگام تولد، ثبت‌نام در مقاطع تحصیلی (مقدماتی یا متوسطه)، دسترسی به آب سالم، و درآمد سرانه، چهار شاخصی است که در هر یک از محورهای الماس نشان داده می‌شوند. شکل 2 یک نمونه الماس توسعه را برای دو کشور با درآمد متوسط چین و بوتسوانا نشان می‌دهد. مشخص است که بوتسوانا در شاخص درآمد سرانه، بسیار بالاتر از کشورهای همگروه خود قرار گرفته، اما در شاخص دسترسی به آب سالم بسیار ضعیف عمل کرده است. این واقعیت بار دیگر اهمیت یک رویکرد متوازن به توسعه و ملاحظه ابعاد مختلف آن را یادآوری می‌کند.

بر اساس چنین الگوهایی طرفداران توسعه پایدار پاسخگویی به نیازهای آتی نسل بشر را، وابسته به تعقیب اهداف متوازن اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در فراگرد توسعه می‌دانند. ممکن است این اهداف در کوتاه‌مدت با هم در تعارض به نظر برسند، اما در بلندمدت یکدیگر را تقویت می‌کنند. برای مثال به منظور پایدار ماندن رشد اقتصادی، این رشد می‌بایست بر حجم مشخصی از منابع و خدمات طبیعی، نظیر جذب آلودگی‌ها و بازتولید منابع، متکی باشد و لذا استفاده مسئولانه از منابع زیست‌محیطی سبب می‌شود تا منابع لازم برای رشد اقتصادی جوامع آینده باقی بماند و پایداری توسعه را در درازمدت رقم بزند.

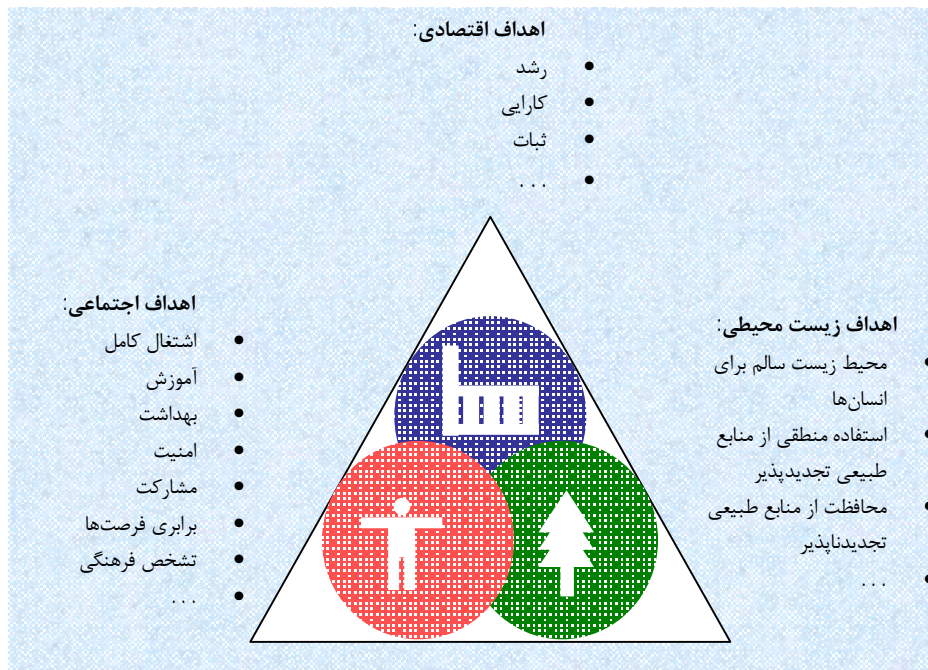


شکل 2. نمونه‌ای از یک الماس توسعه (The World Bank, 2006e)

⁸ Development Diamonds

⁹ The World Bank

بدین ترتیب توسعه‌ای پایدار تلقی می‌شود که خواسته‌های ذینفعان مختلفی را از نسل حاضر و نسل‌های آینده برآورده سازد و این مهم را همزمان در سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی محقق کند (United Nations, 2006). اهداف توسعه پایدار را معمولاً در سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دسته‌بندی و شاخص‌هایی را برای اندازه‌گیری توسعه‌یافتگی در این جنبه‌ها تعریف می‌کنند (شکل 3 را ملاحظه نمایید). حوزه اجتماعی، شاخص‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهد که در ارتباط مستقیم با انسان است و به عنوان تسهیل‌گر یا بازدارنده فرایند ارتقاء کیفیت زندگی مردم در جوامع عمل می‌کند. حوزه اقتصادی، ناظر بر چگونگی توزیع و استفاده منابع محدود مورد نیاز برای ارتقاء زندگی مردم است و بالاخره حوزه زیست‌محیطی مربوط به منابع طبیعی زایش‌پذیر و زایش‌ناپذیری است که فضای عمل و زندگی انسان را تشکیل می‌دهد.



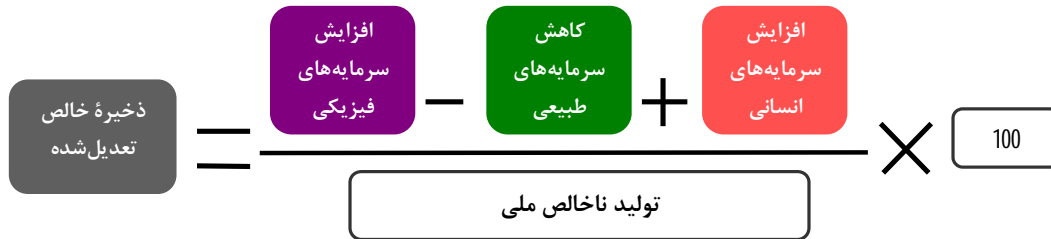
شکل 3. اهداف توسعه پایدار (The World Bank, 2006c)

3. الگوی راهبردی اندازه‌گیری پایداری توسعه

الگوهای اندازه‌گیری توسعه پایدار با در نظر داشتن مفاهیم معرفی شده در بخش قبل تلاش دارند تا رشد اقتصادی جوامع را در کنار وضعیت ارزش-های زیست‌محیطی و خدمات اجتماعی جامعه بررسی نمایند. در این الگوها پایداری توسعه با ملاحظه پاسخگویی آن به نیازهای حال و آینده نسل‌ها، حفاظت و توسعه سرمایه‌های طبیعی و سرمایه‌های انسانی و اجتماعی بررسی می‌شود (Soubbotina, 2004). بانک جهانی توسعه پایدار را "فرایند مدیریت سبدی¹⁰ از دارایی‌ها به منظور حفظ و اعتلای فرصت‌هایی می‌داند که مردم پیش رو دارند." این مؤسسه این سبدها را متشکل از سه دسته سرمایه فیزیکی، طبیعی، و انسانی می‌داند و بر این اساس شاخصی به نام "ذخیره خالص تعدیل‌شده"¹¹ را برای اندازه‌گیری توسعه پایدار مطرح می‌کند (The World Bank, 2006d). نحوه محاسبه ذخیره خالص تعدیل‌شده در شکل 4 نشان داده شده است. همان‌طور که مشخص است نرخ واقعی ذخیره را در یک اقتصاد پس از محاسبه میزان کاهش یا افزایش سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی، و انسانی می‌سجد (Bolt et al., 2002).

¹⁰ Portfolio

¹¹ Adjusted Net Saving (formerly called *Genuine Saving*)

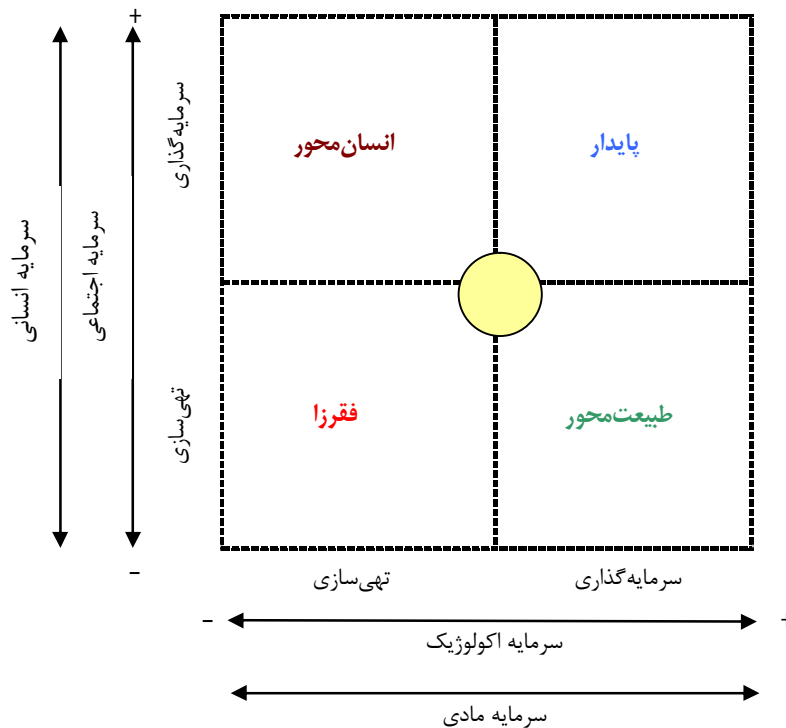


شکل 4. محاسبه نرخ سرمایه‌گذاری خالص (Bolt et al., 2002)

الگوی راهبردی توسعه پایدار بر اساس مفهوم ذخیره خالص تعدیل‌شده پیشنهاد شده است (Gladwin, 2000). این الگو، که در شکل 5 نشان داده شده است، سرمایه‌های طبیعی¹² و اجتماعی¹³ را اولویت داده و آن‌ها را بیش از آن که در قالب جایگزین‌های مصنوعی بشر¹⁴ بنگرد، به عنوان مکمل آن فرض می‌کند. چون بهره‌وری هر نوع سرمایه به وجود انواع دیگر وابسته است، پس هر گونه سرمایه معرفی‌شده در الگو می‌بایست جداگانه سالم باقی بماند - به معنای دیگر برخلاف پیش‌فرض مهم اقتصاد نئوکلاسیک هیچ کدام از سرمایه‌ها نمی‌توانند جای خالی دیگری را پر کنند. بدین- ترتیب کارکرد سرمایه‌های مصنوعی بشر (شامل: کالاهای مصرفی و تولیدی نظیر کارخانه‌ها، ساختمان‌ها، ماشین‌آلات، ابزار، فناوری‌ها، زیرساخت‌ها، و سایر محصولات ساخت بشر) را می‌بایست با ملاحظه تأثیر آن بر چهار نوع سرمایه اصلی توانمندساز - یا محدودکننده - نگریست:

1. سرمایه اکولوژیک¹⁵ (شامل: خدمات، کارکردها، فرایندها و منابع زایش‌پذیر طبیعی).
2. سرمایه مادی¹⁶ (شامل: منابع طبیعی زایش‌ناپذیر نظیر: مواد معدنی، سوخت‌های فسیلی، آب‌های زیرزمینی).
3. سرمایه انسانی¹⁷ (شامل: دانش، مهارت، سلامتی، تغذیه، ایمنی، امنیت و انگیزه انسان‌ها).
4. سرمایه اجتماعی¹⁸ (شامل: جامعه مدنی، انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل، تشخص فرهنگی، هنجارهای تبادل و معامله، برابری، توانمندسازی، آزادی تشکل و اتحادیه‌های صنفی، نظم و مواردی از این دست که همکاری و تشریک مساعی برای دستیابی به منافع متقابل را در روابط اقتصادی و اجتماعی تسهیل می‌کند).

¹² Natural Capital
¹³ Social Capital
¹⁴ Manufactured Capital
¹⁵ Ecological Capital
¹⁶ Material Capital
¹⁷ Human Capital
¹⁸ Social Capital



شکل 5. پایداری به معنای سرمایه گذاری و مراقبت سبب سرمایه ها (Gladwin, 2000)

نواحی چهارگانه الگوی راهبردی شکل 5 نشان دهنده وضعیت‌هایی است که یک جامعه می‌تواند در آن قرار داشته باشد. در ناحیه فقرزا¹⁹ رشد جامعه با نابود کردن منابع، اتلاف سرمایه‌های کنونی و نابود کردن سرمایه نسل‌های آینده صورت می‌گیرد؛ سرمایه‌گذاری روی حفاظت یا جایگزینی منابع انجام نمی‌شود؛ و سیاست‌های جذاب اقتصادی به راحتی بنیان میراث بشر و روابط اجتماعی را تضعیف می‌کند. ناحیه طبیعت‌محور²⁰ ناحیه‌ای است که در آن فعالیت‌های اقتصادی به سمت مطابقت با اصول طبیعی پیش می‌رود؛ اما با هزینه عدم توسعه و نادیده گرفتن سرمایه‌های انسانی و اجتماعی. در این ناحیه نبود آلاینده‌ها - در اثر پیشرفت‌های فناوری - از بیکاری ده‌ها هزار نفر مهم‌تر فرض می‌شود و طبیعت‌گرایی افراطی، گاهی منجر به ایجاد تنش‌های اجتماعی می‌شود. ناحیه سوم، ناحیه انسان‌محور²¹ است که در آن تمرکز تنها به برطرف کردن نیازهای انسان تعلق می‌گیرد؛ فعالیت‌های اقتصادی به سمت برطرف کردن نیازهای بشر پیش می‌رود؛ و در اثر آن منابع طبیعی نسل‌های آینده به نابودی می‌گراید. آخرین ناحیه مورد بررسی، ناحیه پایداری²² خطاب می‌شود. در این ناحیه پیشرفت اقتصادی و فناوری با در نظر گرفتن اصول طبیعی و بر منافع انسان متمرکز می‌شود؛ منابع رشد اقتصادی با تکیه بر منابع نامحدود (نظیر نور خورشید، باد، جریان آب و مانند آنها) انتخاب می‌شوند؛ استفاده از منابع زایش‌ناپذیر با سرعتی کمتر از سرعت بازتولید آنها یا نهایتاً با سرعتی معادل بازتولید آنها صورت می‌گیرد و عوامل انسانی و اجتماعی مد نظر سرمایه‌گذاران و مدیران فرآیندهای توسعه اقتصادی قرار می‌گیرد.

میزان پایداری توسعه در این الگو، بسته به آن است که فعالیت‌های اقتصادی جامعه به نحوی سامان یابد که سرمایه‌های چهارگانه اکولوژیک، مادی، انسانی و اجتماعی جامعه هدف توسعه، از سطح حداقلی²³ مندرج در سبب توسعه پایدار (دایره وسط شبکه) فروتر نرود. بالندگی توسعه زمانی تداوم می‌یابد که سرمایه‌گذاری و توسعه سرمایه‌های چهارگانه سبب گسترش پیدا کرده و جامعه هدف توسعه را در ناحیه شمال شرقی (ناحیه پایداری) شبکه قرار دهد.

¹⁹ Impoverishing Area

²⁰ Naturalizing Area

²¹ Humanizing Area

²² Sustaining Area

²³ Threshold Level

4. جمع‌بندی

در این نوشتار پارادایم‌های نوظهور توسعه مورد کنکاش قرار گرفت. بررسی مدل‌های کلاسیک توسعه که به صورت تک بعدی بر توسعه صرف اقتصادی تمرکز دارد، نشان می‌دهد که این مدل‌ها در عصری که در آن محیط‌زیست، جهانی بوده و پیوسته با آلودگی‌های ناشی از رویکردهای سودگرایانه در فراگرد توسعه، همراه است چنان‌که کاربرد آن‌ها را ندارد. به کارگیری این مدل‌ها که با نادیده انگاشتن ابعاد انسانی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه همراه است پیامدهای پویایی را ایجاد می‌کند که در درازمدت، عوامل اصلی توسعه‌یافتگی به جای آن که به عنوان پیش‌ران در فرایند توسعه عمل کنند، در مقابل آن قرار می‌گیرند. این گونه توسعه‌ها را اصطلاحاً "ناپایدار" می‌نامند. مطالعات صورت گرفته در این نوشتار نشان می‌دهد که مطلق‌نگری نسبت به گسترش سرمایه‌های فیزیکی که انسان را در کانون توجه انسان قرار می‌دهد (انسان‌گرایی)، سبب کاهش سرمایه‌های طبیعی برای نسل امروز و فردای بشر می‌شود. همچنین، یک‌جانبه‌نگری نسبت به محافظت و گسترش سرمایه‌های طبیعی که طبیعت را در کانون توجه انسان قرار می‌دهد (طبیعت‌گرایی)، سبب کاهش سرمایه‌های انسانی و اجتماعی برای نسل امروز و فردای بشر می‌شود. بنابراین هر دو رویکرد انسان‌گرایی صرف و طبیعت‌گرایی محض، با تاخیرهای زمانی، سبب ایجاد ناپایداری در توسعه می‌شوند. عمق پیچیدگی پویا در فرایند توسعه زمانی هویدا می‌شود که رویکردهای یاد شده از طریق توجه افراطی یا تفریطی به حفظ سرمایه‌های طبیعی یا گسترش سرمایه‌های فیزیکی، به تهی‌سازی سرمایه‌ها برای آیندگان منجر شود که در این صورت اصطلاحاً گفته می‌شود توسعه فقرزا عمل کرده است. متولیان امر توسعه بایستی توجه داشته باشند در صورتی که ناپایداری توسعه از یک سطح آستانه‌ای فروتر رود بازگشت به عقب (بازگشت به پایداری) به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست - به عنوان مثال: نگاه صرف اقتصادی به فرایند توسعه تهران سبب گسترش آلودگی هوا و بالا رفتن سطح آستانه پیچیدگی ترافیک آن شهر شده و این امر نیز خود به پایین آمدن سطح آستانه ناپایداری توسعه در تهران بزرگ دامن زده است.

یادآوری: استفاده از مطالب این نوشتار (در محافل علمی، اجرایی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی)؛ در صورتیکه عبارات آن نیز عیناً منتقل شود، با ذکر منبع و نام مولف، مانعی ندارد.

y

فهرست مراجع